



ضمیمه ویژه مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد سال ۹۹

۱۱۸

سوسیالیسم امروز

۲۰ بهمن ۱۳۹۸ - ۹ فوریه ۲۰۲۰

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

iransocialist2017@gmail.com

سلام زیجی

بیانیه مشترک تشکلهای مستقل در رابطه با افزایش حداقل دستمزد و حقوق سال ۱۳۹۹

صفحه ۴

جایگاه طبقاتی
مبارزه برای
افزایش حداقل
دستمزد
طبقه کارگر،
سیاستهای
متفاوت
سوسیالیستها
و رفرمیستها،
شگردهای
سرمایه داران و
دولت برای
مقابله با
افزایش
دستمزد، و
چگونگی
مقابله با ترفند
های بورژوازی

(بازتکثیر متن دو
گفتگوی محمود
احمدی با سلام
زیجی در باره
مبارزه برای تعیین
حداقل دستمزد)

صفحه ۵

بیانیه حزب سوسیالیست
انقلابی ایران در باره حداقل
دستمزد طبقه کارگر ایران
در سال ۱۳۹۹

زنده باد جنبش متحد طبقاتی برای افزایش حداقل دستمزد ۸ میلیون تومان!

در شرایطی که استقبال یک مبارزه مهم
اقتصادی سراسری تحت عنوان "افزایش
حداقل دستمزد" میرویم که طبقه ما با
تعرض بسیار سنگین اقتصادی به خود و
خانواده اش مواجه است، که جامعه
ایران به دنبال جنایت بزرگ و هولناک
جمهوری اسلامی در آبانماه بر دریائی از
انزجار و نفرت از کلیت این نظام نشسته
است، در دوره ای که سال جاری ۹۸
سال اعتراضات رادیکال و حق طلبانه
کارگری بود چگونه ای که فضای سیاسی
ایران به نسبت زیادی تحت تاثیر آن قرار
گرفت، و این سال نیز سال مملو از جدال
و مبارزه سخت و نابرابر طبقاتی برای
کسب حقوق اولیه خود از جمله برای
پس گرفتن دستمزد های معوقه، مقابله با
اخراج و بیکار سازیها و آزادی فعالین در
بند بود. در یکسال اخیر ما شاهد نزدیک
به ۲ هزار اعتراض و اعتصاب کوچک و
بزرگ و پراکنده طبقه کارگر بودیم که اگر
پراکنده نبود و متحد و متشکل میشد و
اگر دارای افق روشنتر و رهبری
سوسیالیستی و سراسری تری در مراکز
مختلف از جمله در مراکز صنعتی میبود،
بدون تردید بیش از پیش جمهوری
اسلامی و سرمایه داران را به زانو در میآورد
و تعرض لجام گسیخته آنها را به طبقه
کارگر و جامعه متوقف میکرد.

صفحه ۲



کارگران جهان متحد شوید!

زنده باد جنبش متحد طبقاتی برای ...



کل جنبش طبقه کارگر و جلب حمایت همه جنبشها و انسانهای آزادیخواه از آن تبدیل کرد. میتوان با پختگی و آمادگی بیشتر کل مراکز کارگری را به یک جدال طبقاتی و بحران عمیقتر و جدیتری برای کلیت این نظام تبدیل کرد.

نباید اجازه داد پروژه های ضد کارگری از جمله پروپاگند تهدید آمیز و نظامی کردن فضای تنش آمیزی که اکنون به واسطه کشتن یک جانی تروریست به اسم قاسم سلیمانی را با دولت فاشیست مشابه خود، یعنی هئیت حاکمه امریکا و دولت ترامپ، که هم اکنون تنورش را دوباره گرم کرده اند، چون دو طرف هر یک به شکلی با بحران های داخلی و جهانی روبرو هستند و نیاز به چنین فضا سازی دارند برای عبور دادن خود از آن، به مانعی بر سر راه مبارزه و مطالبه طلبی ما تبدیل کنند! و یا مضحکه "۴۱ مین سالگرد حاکمیت" ضد انقلابی شان که ماه آینده شیپورش را به صدا درخواهند آورد، و همچنین نمایش "انتخابات" مجلس شورای اسلامی، که دقیقا به ماه و روزهای "تعیین حداقل دستمزد" در اسفند ماه همزمان کرده اند، به مشکل ما کارگران و جامعه تبدیل کنند و آنرا به فضای حاکم بر کشور و مبارزه ما تبدیل نمایند. به جای تمرکز روی این همه معضل و مطالبه واقعی و جنایتی که رژیم مرتکب شده به جایی پاسخ گوئی به جنایت سازمان یافته اقتصادی در حق طبقه کارگر و مردم زحمتکش، که خود دولت آنها میگویند "۷۰ درصد مردم قدرت خرید را از دست داده اند"، بجای رسیدگی به معیشت کارگران و زحمتکشان که حتی هزینه جنایتها و اختلاسها و دزدیهای بیوقفه و حقوق های باد آورده آنها نیز از قبل کار اجباری مزدی کارگران پرداخت و تامین میشود، میخواهند با حربه های شناخته شده همیشگی شان از نو و برای یک دوره دیگر با تحمیل ریاضت اقتصادی بیشتر و خالی تر کردن سفره خالی کارگران و مردم زحمتکش هم قدرت اندیشیدن و تحرک و اعتراض و اعتصاب و انقلاب متحد کارگری-سوسیالیستی را از طبقه کارگر و زحمتکش سلب نمایند و هم بدینوسیله به بقای ننگین حاکمیت بورژوا-اسلامی خود ادامه بدهند! ما باید به این واقعیتها آگاه بوده و بتوانیم راههای تداوم و تکرار این سیاست جنایتکارانه را از آنها مسدود نمائیم! اگر ما متحد به میدان بیائیم و سیاست درست را دنبال کنیم آنها از هر زمانی ضعیفتر هستند، و باید با قدرت و زور حقمان را از حلقوم کثیفشان بیرون بکشیم!

همچنانکه از چند نقل و قول زیرعیان هست، دولت جنایتکار اسلامی نه تنها تصمیم از قبل آماده خود را برای تحمیل ۶ برابر زیر خط فقر به اسم "حداقل دستمزد" را دوباره برای طبقه کارگر ایران در نظر گرفته است که حتی در این حمله جنایتکارانه نیز نیازی به بازی مسخره "شورای عالی کار" و نظرات "نمایندگان" خود گمارده کارگری در شورای اسلامی و خانه کارگر و انجمن صنفی ها ندیده، بلکه آنها را برای فریب افکار عمومی و وقت کشی و زمینه سازی برای "قانونی" کردن مجدد کشتار و اعمال تبعیض و ریاضت کشتی عمیق ترعلیه

ادامه ←

امروز در شرایطی به استقبال تعیین تکلیف مهمی در سرنوشت و زندگی انسانی دهها میلیون کارگر و کودکان و خانوادههای له شده زیر حاکمیت سیاه سرمایه داران میرویم که تعدادی از شایسته ترین فعالین و یاران کارگران به دست رژیم هار مدافع سرمایه داری جمهوری اسلامی مورد شکنجه و سرکوب و زندان و احکام سنگین قرار گرفته اند، در شرایطی که سرنوشت کل جامعه ایران بطور واقعی بیش از هر زمانی در گرو ایفای نقش پیشرو و عرض اندام طبقه کارگر متحد و سوسیالیست خواه و ضد سرمایه داری و ضد حاکمیت اسلامی قرار گرفته است، بیش از هر دوره ای امکان به میدان آمدن متحدانه کل طبقه از جمله در مراکز کلیدی به مناسبت فصل "افزایش حداقل دستمزد" فرا رسیده است! اکنون یک پدید سراسری و مشترک کل طبقه کارگر و مردم زحمتکش در سراسر کشور مطرح شده است، که ایجاب میکند نقش برجسته طبقاتی و رهبری کننده خود را به این مناسبت ایفا نمائیم. این اوضاع حکم میکند تا در صف واحد طبقاتی و سراسری و بدون توهم به هیچ بخشی از حاکمیت و اپوزسیون بورژوائی برای افزایش حداقل دستمزد خود، که بنا به گفته خود مقامات رژیم "خط فقر به ۸ میلیون تومان رسیده است"، برای همین حداقل حق اولیه و انسانی خود به تحرک در آمده و همه شگردهای رژیم و نهادهای مزدور را باید با شکست مواجه کرد. ضروری است کل فضای کشور را در دو-سه ماه باقیمانده پایانی سال را به فضای مبارزه برای افزایش دستمزد و حق تشکل و انتخاب نمایندگان واقعی طبقه کارگر تبدیل کنیم. سازماندهی این مبارزه، کاملا عملی و ممکن است اگر فعالین سوسیالیست و دلسوز جنبش طبقاتی مان متحد و بدون تاخیر ملزومات آنرا، که خود بر آن واقف و آگاه هستند، فراهم نمایند. باید کل طبقه را به سوی شروع اعتراض و اعتصاب سراسری حول مطالبه افزایش حداقل دستمزد ۸ میلیون تومان در سراسر کشور آماده نمود!

بر بستر تحرکات مربوط به فصل تعیین "حداقل دستمزد سال ۹۹" که خود نهادهای وابسته به رژیم و ارگانهای مدتتها است با طرح "افزایش پانزده تا بیست درصدی، کارمندان و کارگران" آنرا پیش کشیده اند، میتوان جنبش میلیونی و عظیمی برای افزایش حداقل دستمزد سال ۹۹ به راه انداخت. این جنبش و تحرک میتواند نوع تشکل و نهاد خود جوش و مستقل کارگری و مرتبط به هم، از مجمع عمومی تا شورا و کمیته های کارخانه و کارگری شکل بگیرد و با انتخاب نمایندگان واقعی و رهبران صادق و پیگیر و متحد کننده، یک جنبش طبقاتی و سراسری برای گرفتن حداقل دستمزد مورد نظر خود اقدام نمود. در این شرایط و بنا به زمینه مساعدتر سیاسی و اعتراضی کنونی سازماندهی اعتراض و اعتصاب برای نه فقط افزایش حداقل دستمزد ۸ میلیون تومان، که همچنین برای آزادی همه بازداشت شدگان آبانماه و آزادی همه فعالین کارگری و سیاسی در بند و لغو فوری احکام صادره قرون وسطی، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، ممنوع کردن اخراج، حق بیمه بیکاری، برابری زن و مرد، حق تشکل و تحزب کارگری، حق اعتصاب و اعتراض، ممنوع بودن ورود نیروی مسلح و سرکوبگر و ... به میدان آمد و آن را به امر

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جنبش متحد طبقاتی برای ...

اکثریت شهروندان شرافتمند جامعه بکار آنداخته است تا همان اتفاقی که سال گذشته افتاد امسال در ابعاد وحشتناکتری دوباره اجرا و تکرار کنند:

علی خدایی نماینده کارگران در شورای عالی کار گفت: «طی چند روز گذشته اولین جلسه کمیته مزد شورای عالی کار (سال ۹۹) برگزار شد و ما به عنوان نمایندگان کارگران پیشنهادها و نقطه نظرات خود را اعلام کردیم، در این زمینه نیز صحبتی که آقای نوبخت در مورد افزایش ۱۵ درصد حقوق کارمندان طی سال آینده انجام دادند، در مورد میزان افزایش نرخ دستمزد کارگران شبیه فکاهی است و قطعا این رقم جوابگوی خرج زندگی کارگران نخواهد بود»

دلگرم: رئیس سازمان برنامه و بودجه، با بیان اینکه سال آینده حداقل ۱۲ هزار میلیارد تومان برای پاداش بازنشستگان دستگاه‌های اجرایی باید پرداخت کنیم، گفت: میانگین افزایش حقوق و دستمزد ۱۵ درصد خواهد بود»

رئیس خانه کارگر همدان با تأکید بر اینکه دستمزد سال ۹۹ کارگران باید براساس نرخ تورم واقعی کشور مشخص شود، گفت: حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۹ باید سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان باشد. چنگیز اصلانی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: براساس ماده ۴۱ قانون کار بانک مرکزی در پایان هر سال تورم واقعی را در کشور اعلام کرده و بر این اساس در شورای عالی کار میزان دستمزد کارگران مشخص می‌شود»

بدین ترتیب طبقه کارگر باید بداند سناریوها برای تحمیل حداقل دستمزد بردگی چیده شده و یک مشت مواجب بگیر هم به عنوان "نماینده کارگر" راه افتاده اند تا "رقابت" ایجاد کنند! و در شرایطی که "وزیر اقتصاد" شان از ناتوانی ۷۰ درصدی قدرت خرید مردم صحبت میکند، در شرایطی که نمایندگان مجلس و دیگر مقاماتشان نیز از رسیدن خط فقر به ۸ میلیون تومان در بیشتر شهرها سخن فرسائی میکنند، و بازی افزایش ۱۵ درصدی "دستمزد"، و افزایش دستمزد تا سطح "سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان" را جلومان میگذارند تا در صحنه پایانی این نمایش و به همت "مذاکره سه جانبه" دروغین خود به حدود ۲ میلیون تومان تن بدهیم. آنهم در قبال افزایش هزینه های سرسام آور زندگی که بالاتر از ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصدی شاهد افزایش قیمت و هزینه های مسکن، تحصیل، بنزین، آب و برق، نان، گوشت، تخم مرغ، میوه، سبزیجات، و ... هستیم. این نظام و کاسه لیسانشان میخواهند گستاخانه ذهن کجی کنند در قبال این شرایط سخت زندگی اکثریت جامعه، و میدانند به هر اندازه بتوانند دستمزد و حق کارگر را به گروه بگیرند و به فقر بکشاند راه برای به گرو گرفتن حق و دستمزد دیگر بخشهای زحمتکش جامعه از جمله بازنشستگان، فرهنگیان پرستاران و غیره را هموارتر میکنند.

از اینرو دفاع از افزایش حداقل دستمزد کارگران به ۸ میلیون تومان از جانب این بخش از جامعه نیز مستقیما به معنی تسهیل مبارزه برای افزایش حقوق و دستمزد خود آنها نیز هست!، همه ما کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان باید به این واقعیت ساده واقف باشیم که هدف محوری آنها از یورش اقتصادی به کارگران و زحمتکشان در جامعه در راستای تامین بقای جنایتکارانه این نظام سرتا پا فاسد، مستبد، قاتل و مجرم و ضد کارگری و ضد انسانی صورت میگیرد. علیه این هدف ضد انسانی باید متحدانه وارد عمل شد!

کارگران! مردم شرافتمند!

هیچ بدیده ای به اندازه تحمیل این سطح از زندگی بردگی به کسانی که کل ثروت یک کشور را خلق میکنند جنایتکارانه و ضد انسانی تر نیست! هیچ جنایتی بزرگتر از این نیست که در شکل "قانونی" نان زحمتکش ترین انسانها را به این شکل از جانب یک مشت کانگستر دولتی و سرمایه دار به گرو گرفته شود. آمار قربانیان این نوع جنایات کمتر از میدانهای جنگ گرم نیست!، هیچ جرمی به اندازه اعمال زورگویانه، بکجانبه، و با نقشه کشی، اقتصادی-سیاسی هدفمند علیه تولید کنندگان ثروت و سامان جامعه، و به هدف هموار کردن شرایط مشقت بارتر آنها و سودجویی کور اقتصادی دولت سرمایه داران، از طریق به زانو در آوردن یک طبقه ۴۰ - ۵۰ میلیونی، و نابودی فیزیکی و روحی میلیونها انسان بزرگسال و کودک، که گسترش اعتیاد، خود کشی، تن فروشی، و تحمیل یک زندگی واقعا بردگی به شرافتمندانه ترین و کارکن ترین انسانها جز عوارض فوری ناشی از چنین تعرض است، نمیتوان تصور کرد! آنهم از جانب یک مشت اوباش سرمایه دار و یک نظام استبدادی اسلامی-بورژوازی که تنها یک مورد از دزدیهای کلان و "اختلاس" هایشان برای پایان دادن به فقر و گرسنگی در کل کشور کفایت میدهد. اما ما کارگران این تعرض گستاخانه را نیز تحمل نمیکنیم. این جنایت نباید از جانب طبقه کارگر ایران و رهبران واقعا دلسوز و جدی آن طبقه تحمل گردد. نباید از جانب شهروندان آزادیخواه و کسانی که در لجن جمهوری اسلامی و فرهنگ ضد کارگری و ضد انسانی آن غرق نشده باشند پذیرفته شود. باید جامعه به دفاع از کارگران برخیزد!

بیش بسوی گرفتن حداقل دستمزد ۸ میلیون تومان برای سال ۱۳۹۹

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!

مرگ بر جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

lransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

۱۵ دی ۱۳۹۸ - ۵ ژانویه ۲۰۲۰

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی!

بیانیه مشترک تشکلهای مستقل در رابطه با افزایش حداقل دستمزد و حقوق سال ۱۳۹۹

وجود تورم بالای ۴۰ درصد در نیمه اول سال جاری رمق زندگی از کارگران، معلمان، بازنشستگان، بیکاران و کلیه مزدبگیران کم درآمد و عموم مردم زحمتکش و محروم را فراتر از سالهای گذشته گرفته بود تا اینکه شب ۲۴ آبان ۹۸ دولت برای جبران کسری بودجه اش به طرزی غارتگرانه دست در جیب مردم برد و قیمت بنزین را سه برابر افزایش داد.

مردم جامعه از کارگر گرفته تا معلم و بازنشسته و بیکار و غیره که تأثیر افزایش بنزین توسط حکومت را بارها بر زندگی خود تجربه کرده و میدانستند به دنبال افزایش قیمت بنزین همچون افزایش چند باره قیمت دلار، قیمت دیگر کالاهای مورد نیاز زندگی فوراً و سرسام آور بالا خواهد رفت، برای دفاع از حق زندگیشان بلافاصله خیابانهای شهرها را به میدان اعتراض تبدیل کرده، وسیعاً به خیابان آمدند و صدای اعتراضشان را نه تنها به گرانی بنزین، بلکه علیه ۴۰ سال سرکوب، چپاول و به تباهی کشانده شدن زندگیشان توسط غارتگران بلند کردند.

اکنون برمتن سرکوب های خونین این خیزش ها که تا به امروز نیز ادامه دارد و در دل شدیدترین فشارهای معیشتی و اعتراض های مردم، نمایش هر ساله مذاکرات حکومتی "شورای عالی کار" برای افزایش دستمزد کارگران از آذر ماه شروع و همچنان ادامه دارد.

سال ها این سناریوی تعیین مزد در حالی بهمین سبک و سیاق اجرا میشود که نیروی کارمزدی فاقد تشکل های مستقل قدرتمند و سراسری برای دفاع از سطح معیشت خود هستند. امسال بویژه قصد دارند که به بهانه نبودن بودجه درصدی تحقیر آمیز به دستمزد و حقوق مزدبگیران اضافه کرده که همان هم پیشاپیش با افزایش نرخ تورم هنوز دریافت نشده بازپس گرفته میشود. نباید هیچ بهانه و توجیهی مبنی بر نبود بودجه و یا عدم توانائی کارفرمایان و سازمانها در پرداخت دستمزدها و حقوق های مورد مطالبه شاغلین و بازنشستگان را پذیرفت. زیرا جامعه شاهد بود که چگونه و با قید سه فوریت برای سپاه قدس بودجه ۲۰۰ میلیون یورویی علاوه بر بودجه مصوب قبلی را تخصیص دادند.

دولت مؤظف است علاوه بر پذیرش حداقل دستمزد و حقوق ماهانه همه مزدبگیران مطابق هزینه کارشناسی شده "سبدمعیشت خانوار" که در شرایط فعلی به میزان ۹ میلیون تومان برآورد میشود، بودجه کافی نیز برای پرداخت بیمه بیکاری به همه بیکاران، تأمین زندگی کودکان کار و درمان مناسب و رایگان، اختصاص دهد.

ما کارگران، معلمان، بازنشستگان و کلیه مزدبگیران در صورت عدم تحقق مطالبه ی مذکور، حق خود می دانیم که به هر شکل ممکن، علیه این همه تبعیض و بی عدالتی در همه مراکز کارگری، مدارس و دانشگاه ها، خیابان ها و مقابل مراکز دولتی و حکومتی اعتراضی همه جانبه نماییم.

11/11/1398



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است. در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیابید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

- 1- اتحاد بازنشستگان ایران
- 2- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
- 3- سندیکای نقاشان البرز
- 4- شورای بازنشستگان ایران
- 5- بخشی از بازنشستگان فولاد
- 6- گروه 19 اسفند
- 7- گروه بازنشستگان تأمین اجتماعی
- 8- گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای آذربایجان
- 9- جمعی از فعالین لغو کار کودکان
- 10- جمعی از فعالین کارگری سنندج

امضاء سایر گروه ها ادامه دارد

@anjomanbfbk

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!



S_zijji@yahoo.se

جایگاه طبقاتی مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد طبقه کارگر، سیاستهای متفاوت سوسیالیستها و رفرمیستها، شگردهای سرمایه داران و دولت برای مقابله با افزایش دستمزد، و چگونگی مقابله با ترفند های بورژوازی

(بازتکثیر متن دو گفتگوی محمود احمدی با سلام زیجی در باره مبارزه برای تعیین حداقل دستمزد)

اما به هیچ وجه قابل تفکیک نیست با عرصه مبارزه سیاسی و اجتماعی علیه جمهوری اسلامی و طبقه بورژوازی ایران. برای نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی به عنوان دولت آن طبقه نیز وقتی میخواهند دستمزد کارگر را به پایین ترین سطح ممکن کاهش دهند، بیکاری و فقر گسترده را به کارگر تحمیل میکنند، اگر چه با این ریاضت کشی هدف سود آوری و ثروت اندوزی بیشتری را دنبال میکنند، اما از راه سیاست اقتصادی خشن و بی رحمانه ی خود همزمان هدفهای سیاسی از جمله ایجاد اخلال و ممانعت در شکل گیری همبستگی طبقه کارگر، ممانعت از تشکیل یابی او، ایجاد تفرقه، و سلب قدرت و امکان خیزش میلیونی طبقه کارگر علیه خود را دنبال میکند. در نتیجه "عرصه اقتصادی" همواره برای هر دو طبقه متخاصم تنها در عرصه جدال صرف اقتصادی توقف نخواهد کرد. بنا به ماهیت و خصوصیات ویژه بورژوازی و نظام حاکم در ایران، به ناچار هر شکلی از مبارزه بر سر دستمزد و رودروئی اقتصادی بلاواسطه به عرصه سیاست و مبارزه برای پس زدن همدیگر در تمام عرصه های نبرد سیاسی و اجتماعی منتهی شده و میشود. برای یک حزب کمونیستی متعلق به این جدال و کشمکش طبقاتی هم مبارزه اقتصادی دقیقاً همین جایگا و معنا را دارد. ضرورت شرکت فعال در مبارزه اقتصادی طبقه کارگر و از زاویه منفعت کل طبقه و با افق و استراتژی روشن سوسیالیستی، از جمله بر سر مبارزه برای تعیین حداقل دستمزد، ضمن اینکه بخشی از تلاش برای تامین رفاه و شرایط بهتر اقتصادی و تناسب قوای مطلوبتر در این زمینه را دنبال میکند، همزمان بخش تفکیک ناپذیری از کل مبارزه ی خود، به عنوان یک حزب کمونیستی متعلق به آن طبقه، برای سرنوشت جمهوری اسلامی و برقراری یک نظام بری از استثمار و مبتنی به آزادی، رفا و سعادت بشری و برقراری حکومت کارگری و سوسیالیستی میدانیم.

ادامه ←



00 x 296

توضیح سوسیالیسم امروز: لازم به یاد آوری است که این گفتگو شش سال پیش صورت گرفته بود. و روشن است که ارقامها و فاکتورهای آنزمان را در متن منعکس میکند، در حالی که امروز به درست ما از افزایش ۸-۹ میلیون تومان برای حداقل دستمزد سخن می گوئیم! اما از آنجا که در این گفتگو اساس بحث مبارزه برای افزایش دستمزد، ماهیت مبارزه برای رفع موانعها و ضرورت تامین مبارزه متحد طبقاتی برای افزایش دستمزد را از یک موضع سوسیالیستی و بنا به منافع کل طبقه طرح میشود، و بیشک همچنان یک موضوع مبرم روز و حاد جنبشمان هست، بازتکثیر این گفتگو را در این شماره سوسیالیسم امروز "ویژه مبارزه برای افزایش دستمزد سال ۹۹" را ضروری دیدیم.

امیدواریم این خط و سیاست و تلاش متحد طبقاتی مورد توجه همه فعالین سوسیالیست و رهبران جنبش کارگری قرار بگیرد.

مبارزه برای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۳

متن گفتگوی محمود احمدی در رادیو پرتو

با سلام زیجی

(۱)

محمود احمدی: برخی فکر میکنند که یک حزب کمونیستی اساساً برای سرنوشتی و کسب قدرت سیاسی مبارزه میکند چرا چنین حزبی باید خود را درگیر مبارزه بر سر تعیین حداقل دستمزد بکند؟

سلام زیجی: یک حزب کمونیستی و کارگری اگر حزب آن طبقه باشد، استراتژی و هدفش سرنوشتی جمهوری اسلامی و به زیر کشیدن طبقه حاکمه و پایان دادن به استثمار وحشیانه ی دولت و طبقه حاکمه علیه جامعه و طبقه کارگر است، نمیتواند به مبارزه اقتصادی طبقه لاقید باشد و مدعی فعالیت کمونیستی و

هدف سرنوشتی نیز در دستور کارش باشد. چنین حزبی می خواهد مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و نظام کار مزدی بر چیده شود. عرصه مبارزه اقتصادی برای چنین حزبی عرصه تفکیک ناپذیری از کل مبارزه سیاسی - طبقاتی طبقه کارگر برای رسیدن به آن اهداف میباشد. همچنانکه قبلاً هم گفتم عرصه مبارزه اقتصادی برای طبقه کارگر و حزب کمونیستی کارگری چون ما در ایران، ضمن این که عرصه ای بر سر بهبود زندگی و معیشت شایسته انسان و به این اعتبار عرصه ی "مستقلی" میباشد،

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

حداقل دستمزد سال ۹۹...



محمود احمدی: تفاوت مبارزه یک حزب کمونیستی و جریان سوسیالیستی طبقه کارگر با گرایشات اتحادیه ای و صنفی در مبارزه بر سر حداقل دستمزد کارگران چیست؟

در مبارزه ی اقتصادی در آن چهار چوب که گفتم فعال هستند، میتوانند بعضا دستاوردهای محدودی هم کسب کنند اما راستش اگر کلیت آن سیاست و نقشی که در طبقه دارد در نظر بگیریم از نظر من حتی در میدان مبارزه ی اقتصادی یا افزایش دستمزد هم ضررشان از خیرشان بیشتر است برای طبقه کارگر و افق و اهدافی که طبقه کارگر دنبال میکند. پایان دادن به نظام کار مزدی و سرمایه داری اصلا جزو پلاتفرم و اهداف چنین جریاناتی نبوده و نیست!

محمود احمدی: شما در باره ادعای سرمایه داران و مخالفین افزایش دستمزد کارگران چه نظری دارید که میگویند " با افزایش دستمزد مراکز کار کارخانجات کوچک توان پرداخت را نخواهند داشت، مجبور میشوند اخراج کنند، افزایش دستمزد بیکاری بیشتر به دنبال خواهد داشت!"

سلام زیجی: این نوع ادعاها، مبتنی بر دروغ، عوامفریبی آشکار و شیادی سیاسی دولت و سرمایه دار و کارفرما را میسراند. این ترفندها به هدف تداوم تحمیل زندگی بردگی به طبقه کارگر و خانواده های آنان، و حربه های شناخته شده ای هستند که در سایه این نوع دود هوا کردنها و ایجاد ترس و دلهره سودجویی و سود آوری شرم آور سرمایه دار، که از راه اجبار کردن کارگر به فروش نیروی کار ارزانتر خود بدست میآورند، از جامعه و کارگر پنهان نگاهدارند. شما در بزرگترین کشور سرمایه داری و مراکز صنعتی ثروتمند هم این هذیانگویی ها را میشنوید. بدون اضافه کردن هیچ مزدی هم ما شاهد اخراج و بیکار سازیهای دهها میلیونی هستیم. بیکار سازی ذات نظام سرمایه داری است. سرمایه دار برای ایجاد رقابت و تحمیل دستمزد کمتر به کارگر به ارتش میلیونی بیکاران نیاز مبرم دارد. هر کارگر کمونیست و فعال کارگری آگاه به این ترفندها وقتی با چنین پروپاگاندا و دروغ پردازیهای مواجه میشود میتواند جواب روشن داشته باشد و با آنها مقابله ی جدی کند. طبقه ای که کل ثروت جامعه از جمله زندگی همین سرمایه داران، دولت و سپاه و ارتش و بسیجی و خیل آخوندهای انگل و مفتخورشان را از قبل نیروی کارش دارد تامین میکند، چرا این خود او است که جزو اولین قربانیان بیکارسازیها باید باشد؟ چرا زدن حقوق و بیکارسازی از دولتتها و مجلسیها و نظامیان و زندانبانان شروع نمیشود و اول باید به سراغ شرافتمند ترین بخش جامعه که تمام ثروت و دستاوردهای کنونی جامعه از راه فروش نیروی کار او و تلاش متمادی او بدست آمده باید شروع کرد؟ این فریب کاری شرم آور را قطعاً نباید پذیرفت. اینها نگران بیکارسازی نیستند، دروغ میگویند، لطفاً بیایند ساعت کار و اضافه کاری و چند شیفته

ادامه ←

سلام زیجی: مهمترین تفاوت ما به عنوان یک جریان کمونیستی و گرایش رادیکال درون طبقه این است که ما منفعت کل طبقه را در نظر گرفته و نمایندگی، افق و هدف ضد سرمایه داری ناظر بر مبارزه ی اقتصادی و رفاهی را دنبال میکنیم طوری که طبقه بیش از پیش کل منفعت خود را جامعتر بشناسد. طبقه تحت فشار و تاثیر گرایشات راست یا دولت و کارفرما در صنف خود و مطالبه ی محدود و کم تاثیر باقی نماند. در این مبارزه متکی هستیم به مکانیزم مبارزاتی جاری درون طبقه و اهمیت فوق العاده ای برای تشکلهای مستقل، مجمع عمومی و شوراهای کارگری و همچنین سندیکاهایی که متکی به این شکل از تشکل یابی توده ای هستند و نمایندگان منتخب و مستقیم طبقه در مراکز مختلف قائل هستیم. در عین این که با تمام قدرت برای رفاه و شرایط زندگی بهتر و دستمزد بالاتر مبارزه میکنیم اما این را هرگز ایستگاه آخر مبارزه طبقاتی و پایان جدال نمیدانیم. در بطن مبارزه ی اقتصادی نیز هدف ما اتحاد بیشتر طبقه، کسب موقعیت بهتر و آماده تر کردن ملزومات مطلوبتر به هدف سرنگونی کلیت نظام حاکم سرمایه داری و برقراری یک نظام سوسیالیستی است. مبارزه بر سر کسب دستمزد مطلوبتر نیز مانند عرصه های دیگر مبارزه طبقاتی به معنی عقب نشانیدن طبقه بورژوا از یک سنگر و تصرف سنگری دیگر از جانب خود قلمداد میکنیم، هدف تامین تناسب قوای مناسبتر برای تعرض نهائی به جمهوری اسلامی و سرمایه داری است. مبارزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر در هم تنیده و غیر قابل تفکیک از هم هست. کسب آمادگی برای خیز برداشتن متحدانه و قدرتمند طبقه و حزب کمونیستی او به سوی کسب قدرت سیاسی هدف هر گرایش سوسیالیستی و حزب کمونیستی کارگری از جمله حزب ما در شرکت فعالان در تمام عرصه های مبارزه طبقاتی از جمله عرصه تعیین حداقل دستمزد مناسب برای طبقه کارگر ایران است.

اما یک جریان صرفاً رفرمیست و راست درون جنبش کارگری، بر عکس مبارزه اش متکی به قوانین اعلام شده دولت و سرمایه داران است، در این چهار چوب باقی میماند و می خواهد به نسبت نفوذی که دارد کارگران را به بازی کردن در میدان تعریف شده بورژوازی راضی نگاه دارد. اگر برای دستمزد بیشتر و شرایط بهتر نیز تلاش میکند باز به این بازی متعهد است و افقی فراتر از اصلاحاتی در چهار چوب نظام طبقاتی حاکم ندارد و نمیخواهد داشته باشد. یک جریان یا فعال سندیکالیست و رفرمیست تمام تلاشش این است اعضا صنف خودش را به این افقهای محدود و "بدون خطر" برای دولت و سرمایه داری متقاعد کند و آموزش دهد.

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

حداقل دستمزد...

محمود احمدی: معیار تعیین حداقل دستمزد برای طبقه کارگر از نظر شما چه باید باشد؟

سلام زیجی: اولین شرط پذیرش کارگر به عنوان شهروند برابر، شهروندی که حق زندگی انسانی دارد، حق تشکل و اعتراض و اعتصاب دارد، و به عنوان شهروندی که در ازای فروش هر روزه ی نیروی کارش که برای آن جامعه ثروت و رفاه و تامین خدمات و غیره می آفریند حق طبیعی او است که نباید مزدش حداقل کمتر از هیچ مقام دولتی دیگر باشد. بدون تردید نزد این رژیم و قوانینش کارگر از چنین حرمت و حتی برخوردار نبوده و نیست. تمام جنگ هم از نظر من حول همین واقعیت شرم آور است.

شاخص تعیین مزد حداقل باید برابر باشد با تامین حداقل معیشت و زندگی یک خانواده ی چند نفره. امروز فقط کرایه مسکن در شهرهای بزرگ حداقل پانصد هزار تومان است. قبلا گفتیم که خط فقر هم اکنون نزدیک به ۲ میلیون تومان بر آورد شده است. روشن است که حداقل دستمزد نباید زیر خط فقر قرار بگیرد. وقتی میگوئیم ارزش یک

شهروند قائل شدن برای کارگر در عمل باید صورت بگیرد، فرزندش مانند فرزند دیگران امکان ادامه تحصیل داشته باشد. خود و خانواده اش از حق بیمه و درمان و بهداشت مناسب و از حق سفر و تفریح برخوردار باشند. این حق را داشته باشند که بتواند وقتی مزدش را می دزدند، قطعه قطعه میکنند، حتی چندین ماه مزد کار انجام شده اش به گرو گرفته میشود، یک مرجع و یک ارگان با وجدانی هم نیست که به دادش برسد باید حق اعتراض و

اعتصاب و خواباندن مراکز کار را داشته باشد. گرانی روز افزون مواد خوراکی و امکانات زیستی و .. برای کارگر شاخص افزایش دستمزد است. شاخص این باشد که کارگر از سر اجبار و فقر گروه گروه در یک اتاق سه در چهار زندگی نکنند و همزمان به سخت ترین کار و دستمزد ناچیز تن بدهند. با توجه به این موقعیت غیر قابل تحمل تا کنونی، همچنانکه بخشی از فعالین و مراکز کارگری نیز مطالبه کرده اند، از نظر من هم با هر معیار و شاخصی که در نظر بگیریم حداقل دستمزد پایه و عمومی کارگران اگر کمتر از ۲ تا ۲ میلیون و نیم تومان باشد، غیر قابل قبول است. کمتر از این برای اکثریت بزرگی از طبقه کارگر برابر خواهد بود با زندگی کردن در زیر خط فقر و روبرو شدن با گرسنگی و بدبختی و تحقیر مداوم و تعرض بیشتر سرمایه داران و دولت.

مقامات و دست اندرکاران دولتی و یا نهادهای "کارگری" وابسته به دولت هم اذعان کرده اند که خط فقر کنونی یک میلیون و هشتصد و هفتاد یا هشتاد هزار تومان هست. معنی واقعی آن این است که هر فردی کمتر از این رقم مزد دریافت کند زیر خط فقر زندگی میکند، یعنی گرسنگی کشیدن، یعنی بچه اش با گرسنگی سر بر بالش می گذارد، به معنی این است حتی قدرت باز تولید نیرو و انرژی برای فروش مجدد نیروی کار به سرمایه دار و به حرکت در آوردن چرخ تولید نداشته باشد.

ادامه



کارکردنها را کم کنیم ببینیم کسی بیکار میماند!، بیایند به جای دزدی و چپاول و سودجویی امنیت و آسایش کارگر را تامین کنند، از تعداد نیروهای سرکوب و مفت خورشان و حقوق باد آورده ی آنها کمتر کنند، سنگ ارزانتری برای قبرشان بخرند و... تا ورشکسته نشوند و کسی را هم لازم نیست بیکار و اخرج و به سیه روزی بکشاند. اگر توان و لیاقت حکمرانی بر اقتصاد جامعه را ندارند، گورشان را کم کنند.

محمود احمدی: سرمایه داران و مخالفین افزایش دستمزد می گویند نباید شاخص ویژه ای برای تعیین حداقل دستمزد در نظر گرفت. قوانین بازار و نرخ تورم اعلام شده بانک مرکزی میتواند مبنا قرار بگیرد.

سلام زیجی: خوب همین که می گویند خود شاخص شناخته شده طبقه ی بورژواها است. شاخص آنها میزان و چگونگی جیب پر کردن خود از راه به گرو گرفتن نان و زندگی دهها میلیون انسان دیگر است، انباشت سرمایه از راه تحمیل گرسنگی به طبقه کارگر و مرگ و میر و سو تغذیه کودکان، برقراری قانون چنگل در مناسبات اقتصادی و اجتماعی در جامعه، دزدیدن و سرکوب "قانونی" و غیره است.

شاخصهای بورژواها و دولتشان در برخورد به جامعه و کارگر و مزد او میباشد. پس آنها شاخص خود را دارند و میخواهند طرف مقابل هم همین را از آنها بپذیرد، که باید گفت غلط کردید! آنها میگویند هر چه ما کردیم شاخص است از جمله وقتی بودجه ی میلیاردها تومانی به نیروهای سرکوبگری که همین امسال اختصاص دادیم و از قبل کار شما هم تامین شده است، بپذیرید! می گویند این قانون بازی جامعه و زندگی تحت حاکمیت ما، بورژواها و طبقه ی حاکمه است. طبقه ی ما معیار و شاخص خود را دارد. ما نیروی کارمان را میفروشیم آنها قرار است آن را بخرند. قرار نیست یک طرفه و با کنترل تمام امکانات اقتصادی، میدیائی، پلیس و اطلاعات و زندان بر سر ما بکوبند و مجبورمان بکنند قوانین و شاخص های آنها را بپذیریم، نخیر تامین زندگی خانواده کارگری در تمام زمینه ها حداقل خواست انسانی ما است. تشخیص این و میزان دستمزد مطالبه شده هم در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگران است. ما مسئول بالا رفتن نرخ تورم شما آقایان نیستیم! آنچه که دولت و کارفرما و شورایی عالی کار می فرمایند پوچ است و مورد قبول ما طبقه کارگر ایران نیست!

حداقل دستمزد...



مبارزه برای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال

۹۳

گفتگوی محمود احمدی در رادیو پرتو با سلام زیجی

(۲)

محمود احمدی: زمانیکه دولت و طبقه بورژوا آمار تورم خود را اعلام میکند، طبقه کارگر چگونه میتواند به آن برخورد کند؟

سلام زیجی: همچنانکه در پاسخ به سوال قبلی گفتم، به شاخصهای تعیین مزد از جانب نمایندگان منتخب کارگری تاکید دارم نه نرخ تورم اعلام شده از طرف بانک مرکزی! آمار و ارقامی که دولت و کارفرما و بانک مرکزی اعلام میکنند دروغ و تحریف شده است. به ویژه زمانی که به دوران جدال بر سر تعیین حداقل دستمزد میرسیم جنگ آمارهای بانک مرکزی و داستان نرخ تورم از زاویه ی آنها هر روز برجسته و متغیر و دلبخواهی اعلام میشوند. از این رو تاکید من تخمین نرخ تورم و دادن آمار و ارقامهایی، که مبنای آن باید تامین زندگی و معیشت حداقلی کارگر و گرانی روز افزون نرخ کالا و ... باشد، از جانب خود کارگران و نمایندگان مورد قبول خودشان است. گرانی روز افزون کالا و مسکن، پزشکی و بهداشت و تحصیل فرزندان و... همه را قاعدتاً برای تامین یک خانواده چهار یا پنج نفره در بر میگیرد.

این حقیقت را کسی نمی تواند کتمان کند که گرانی مواد خوارکی و دیگر مایحتاج زندگی در سال جاری بعضاً تا ۴۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است. وقتی که مقامات و نهادهای دولتی و نزدیک به دولت خط فقر را نزدیک به یک میلیون و نهصد هزار تومان اعلام میکنند، روشن است که نرخ تورم ۲۶ و ۳۰ درصدی بانک مرکزی بی اعتبار و دستکاری شده است. دولت و بانک مرکزی میزان سود آوری و یا ورشکستگی اقتصادی و سوخت ساز اقتصادی سرمایه دار و منافع طبقه حاکمه را مبنا میگیرند و از این نظر بازی شاخص نرخ تورم و آمارهای خود را اعلام میکنند و میخواهند کارگر هم همین را از آنها بپذیرد، نه در نظر گرفتن تامین زندگی انسانی و رفاه توده ی مردم و کارگران و هر فردی که باید از آن برخوردار باشد. ضدیت سرمایه دار و دولت با اصل اصالت انسانی همینجا است. "معضلات بورژوازی" و "منفعت های" آن به

ادامه

در نتیجه محوری ترین شاخص حداقل تعیین دستمزد جواب دادن به این حداقل زندگی انسانی باید باشد، از مواد غذایی تا کرایه مسکن و آب و برق و گاز و هزینه ی تحصیل فرزندان کارگری و سفر و تفریح و بهداشت و درمان و غیره را باید بدون داشتن دغدغه تامین کند. خط فقر اعلام شده از جانب خود بورژواها گویای این است که مزد پائین تر از آن مترادف با نابودی و مرگ و از هم پاشیدن زندگی کارگر و خانواده آنها است. از این رو با توجه به تورم روز افزون و فقر و گرسنگی که به کارگر تحمیل شده است روشن است که طبقه ی ما و رهبران پیشرو و سوسیالیست آن طبقه نباید به کمتر از برخورداری از یک زندگی در شان انسان و کمتر از آنچه که خود نمایندگان بورژوا گفته اند تن بدهند. رقم ۲ تا دو و نیم میلیون تومان که هم اکنون از جانب بخشی از مراکز و فعالین کارگری به عنوان حداقل دستمزد مطالبه شده است از نظر من هم آن حداقلی است که در مرز خط فقر قرار دارد و به کمتر از آن نباید رضایت داد. حداقلی که برای کلیت طبقه، شاغل و بیکار، تحت پوشش یا بدون پوشش "قانون کار" قراردادی و بدون قراردادی، روزمزد و موقت و غیره و میلیونها کارگری که تحت عنوان "استاد شاگردی" بدون هیچ مزد و بیمه ای استثمار میشوند آن را مطالبه کرد و حول آن متحد شد. در ضمن نباید اجازه داد دستمزد کارگر را در شکل غیر نقدی و ترفندهای مختلف قسمت قسمت کنند و از پرداخت یکجا و در شکل نقدی آن سر باز بزنند.

ادامه دارد...

اولین بار در نشریه کمونیست هفتگی شماره ۲۱۸ منتشر شده است

جنبش ما باید با هوشیاری و با صف و برجم روشنتر و واحد تری به میدان بیاید. هیچ اعتراض "همگانی" تا آخر نمیتواند "همگانی" باقی بماند. همچنانکه دیدیم در اعتراضات اخیر هم کسانی که برای آزادی و علیه گرانی و فقر و علیه فساد و استبداد دولتی به میدان آمدند در ادامه با شعارها و "مطالباتی" روبرو شدند که هیچ ربطی به آنها نداشت. در نتیجه جنبش ما باید از همان گام نخست با صف و برجم و مطالبه مستقل خود به میدان بیاید و اجازه ندهد ارتجاع سرمایه داری چه در درون حاکمیت و چه در اپوزسیون از آنها به عنوان نیروی خود برای اهداف ارتجاعي استفاده کنند. کسانی که برای دفاع از لجنک بنفش مجاهدینی و یا سیستم نر سالاری پادشاهی به میدان می آیند هیچ ربطی به صف مبارزه آزادیخواهانه ما علیه نظام فاسد جمهوری اسلامی که سیاست و فرهنگ هر دوی اینها را در خود نمایندگی کرده است، ندارند. توجه به این امر مهم یکی از عواملهای است که میتواند شکست و یا پیروزی ما را به عنوان جنبش آزادی و برابری و کارگری رقم بزند، از همینجا و در آغاز کار میتوانیم مانع تکرار تجربه تلخ سال ۵۷ باشیم. آزمون بخشی از "جپ" نیز به همراه نیروهای راست چنین کلاه گشادی را سر مبارزین و جنبش ما گذاشتن و گفتند فعلاً همه "ضد شاه" باشیم بعداً در فکر اختلاف سیاسی و حکومت آتی، فعلاً برای "کشور" برای "میهن" و "همه با هم" تلاش کنیم. دیدیم دروغ گفتند و نتیجه اش شد خمینی جلاد و این حکومت وحشیهای اسلامی و دزد و فاسد و ویران کردن زندگی و هستی دهها میلیون انسان از قیام سال ۵۷ تا کنون، که هنوز هم داریم جوب آن کلاهبرداری سرمایه دارانه و حامیانشان را در ایران و دولتهای غربی شان میخوریم. (سلام زیجی)

نگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیانش!



حداقل دستمزد...

کارگر و چگونگی تعیین معیشت و دستمزد او بی ربط است، تامین بدون فشار اجاره مسکن، بنزین، گاز، مواد غذایی، بهداشت، تحصیل و بر خودداری از یک زندگی در شان انسان برای کارگر شاخص است نه سود ببری و یا ورشکستگی این و آن کارخانه. برای کارگر این مبنا است که سهمش از ثروت جامعه ای که خود خالق آن است، چیست؟ آیا نباید حداقل یک دهم آن چیزی که برای جامعه و دولت و سرمایه دار تولید کرده به جیب خود و خانواده اش برگردد؟ حربه ی سرمایه داری و دولت علیه کارگر در پوشش "آمار بانک مرکزی"، "محاصره ی اقتصادی"، "منفعت ملی"، "اگر مزد را بالا ببریم، تورم و بیکاری بالا خواهد رفت" دارد توجیه میشود. همه ی این شگردها عوامفریبانه و انعکاسی از تعرض حکومت اسلامی ضد کارگری و شیادی طبقه ی حاکمه به هدف تحمیل یک زندگی برده وار به کارگر و سر شکن کردن بحرانها و معضلات خود بر سر کارگر و از این طریق سود ببری و استثمار کور بیشتر و ضد انسانی تر میباشد. بنظر من هیچ کارگر و فعال کارگری آگاهی به این ترفندها کردن نخواهد گذاشت و نمیتواند این عوامفریبی ها را بپذیرد.

خود طبقه نباشیم، بخش زیادی از کارگران متحدانه حول مطالبه ی خود به حرکت در نیایند، آشکارا به شاخصها و مکانیزمهای تعیین دستمزد بورژواها از جمله شویاعالی کار نه نگوییم، و... پیروزی مورد نظر را بدست نخواهیم آورد.

محمود احمدی: هم در ایران و هم در کشورهای دیگر زمانی که بحث دستمزد و حداقل دستمزد مطرح میشود مسئله رقم و عددهای متعدد مطرح میگردد، شما با مشخص کردن رقم معینی به عنوان حداقل دستمزد موافق هستید؟

در ضمن در مقابل بحث تعیین رقم معینی به عنوان مبنای حداقل دستمزد موضع انتقادی هست که گویا تعیین رقم مشخص، از جمله ۲ میلیون تومان که اکنون مطرح است، به نفع بخشی از کارگران در مراکز صنعتی و غیره نخواهد بود، چون در حال حاضر دستمزد بیشتری میگیرند. با تفسیر به نادقیق بودن این برخورد قبلاً پرداخته بودم، از نظر من به هیچ وجه تعیین رقم مشخص حداقل دستمزد که اکثریت بزرگی از طبقه را تحت پوشش قرار میدهد در تناقض با منفعت بخشی دیگر از کارگران آن مراکز قرار نمیگیرد. اولاً رقم مورد بحث که بر مبنا نظر و تشخیص نمایندگان کارگری مستقل از دولت و شورایعالی کار طرح گردیده منفعت اکثریت طبقه و اتحاد آنها را بیشتر تامین میکند، دوماً از آنجا که حول چنین رقمهایی اتحاد و حداقل رفاه و زندگی اکثریت طبقه را تامین میکند، خط قرمزی را برای کارفرما تعین میکند، بیمه بیکاری را بر مبنا آن میتوان مطالبه کرد و... میتواند زمینه و بستری باشد که تناسب قوای مساعد تری برای همه بخش های طبقه فراهم کند. از این باید استقبال کرد و برای تحققش جنگید. اتفاقاً بر چنین بستر و اتحاد و دستاوردی برای کل طبقه امکان تحمیل دستمزد بیشتر به کارفرما، بر مبنای همین حداقل تعیین شده، برای کارگران که در شرایط سخت تر یا صنعتی تری کار میکنند فراهم میکنند. در صورت تحقق حداقل مزد مورد نظر، کارگران این بخشها با اتکا به آن دستاورد و موقعیت از جانب نمایندگان منتخب خود میتوانند با قدرت بیشتری قرارداد ویژه و دستمزد بالاتری در مراکز صنعتی و سخت تر شرایط کار را متحدانه طرح و مطالبه کنند.

سلام زیجی: کسی که میروند نیروی کارش را می فروشد خوب به رقمی هم فکر میکند که در ازای آن چقدر میتواند بگیرد. و برعکس سرمایه دار هم تلاش میکند با قیمت هر چه کمتری نیروی کار را بخرد. از این رو تحمیل یک حداقلی از سطح دستمزد که به نسبت تناسب قوا و شرایط زندگی میتوان از جانب کارگر به سرمایه دار تحمیل کرد به معنی تعیین خط قرمزی است که برای دولت و سرمایه دار تعیین میگردد. این حداقل تعیین شده مورد توافق نمایندگان کارگران یک پوشش حمایتی و حداقل استانداردی را برای کل طبقه، شاغل و بیکار، روز کار یا ساعت کار تامین میکند که کارفرما در هیچ جایی و با هیچ بهانه ای حق پرداخت کمتر از آن را به کارگر ندارد. کارگر اخراجی و بیکار شده نیز حق دارد، ۷۰ تا ۸۰ درصد این دستمزد پایه را مطالبه کند و بگیرد. در نتیجه مسئله تعیین حداقلی از سطح دستمزد برای کارگر مهم است و باید برای تحقق آن حداقل مورد نظر خود متحدانه مبارزه کرد و گرفت. اتفاقاً بورژواها به ویژه در شکل "بازار آزاد" علاقمند هستند کارگر را اتمیزه کرده و منفرد به توافق و قرارداد فردی و متنوع سوق بدهند تا راه تحقیر و تفرقه و تحمیل دستمزد کمتر را فراهم کنند. تعیین حداقل دستمزد از جانب کارگران و بیرون کشیدن آن از حلقوم سرمایه دار از نظر من ضروری است. این خط قرمز طبقه ما در عرصه ی حداقل دستمزد خواهد بود و کارفرما تحت هیچ شرایطی نباید حق و امکان آن را پیدا کند که کارگر را در هیچ رشته ای مجبور کند به کمتر از آن به کار تن بدهد.

واقعیت این است که نبرد بسیار سنگین و چه بسا خونین طبقاتی بین ما کارگران و سوسیالیستها و زنان و جوانان آزادیخواه با صف اوباشان حامی خرافه مذهبی و ملیگرائی و طرفداران نظام ظالمانه و کثیف سرمایه داری در چهار گوشه ایران در انتظار است!؛ ایران بعد از جمهوری اسلامی یا باید یک ایران سوسیالیستی و آزاد و مرفه باشد یا یک ایران باز هم متکی بر بربریت سرمایه داری و چه بسا به سوی جنگ و نزاع بی پایان شونیستی، مذهبی، و قوم پرستی در سراسر کشور. ماهمه شهروندان آزادیخواه را به انتخاب راه حل اول، یعنی انتخاب یک جامعه سوسیالیستی و نظام شورائی فرامیخوانیم!

(سلام زیجی)

اما در عین حال اگر ما صرفاً به این رقم و یا حداقل مورد نظر بچسبیم و میدانهای دیگر نبرد طبقاتی که اتفاقاً به این عرصه گره خورده است نادیده بگیریم دچار اشتباه و محدودنگری خواهیم شد و حتی بر عزم پیشروی ما در عرصه ی دستمزد ورقم مورد نظر نیز نقش بازدارنده خواهد داشت. از جمله اگر متکی به شاخصهای خود و مکانیزم مبارزاتی و نمایندگان منتخب خود در مراکز کار و تشکلهای مستقل

همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند!

روزهای یکم و پانزدهم شمسی هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)
[مقالات در نشریه](#)
[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

محمود احمدی: با توجه به فضای سرکوب و اختناق حاکم تحقق مطالبات کارگران بر سر دستمزدها چقدر ممکن است؟

سلام زیجی: واقعیت این است که جمهوری اسلامی تناسب قوای بسیار نابرابر و نامساعدی به طبقه ی کارگر ایران تحمیل کرده است، این یورش و وحشیگری به قدمت جمهوری اسلامی وجود داشته است. اعدام و زندان و ایجاد تشکلهای ضد کارگری برای دور زدن مبارزه ی متحدانه و سوسیالیستی طبقه و همچنین تحمیل فقر مطلق به کارگر از همان دوره ی سرکوب کارگران نفت، از اوایل سال ۵۷ شروع شد. اما در عین حال، و از همان زمان، ما شاهد پتانسیل قوی مبارزاتی در صفوف طبقه کارگر بوده ایم و همچنان در جریان است. همین واقعیت اساس مشکل جمهوری اسلامی بوده و هست. از این رو اگر رهبران پیشرو و سوسیالیست آن طبقه با اتحاد و صلابت طبقاتی بالاتری وارد میدان شوند، دست در دست هم بدهند، ترفندهای رژیم را با دقت بیشتری مورد توجه قرار بدهند برای تشکل یابی خود گامهای جدی تری بردارند، میتوانند تناسب قوای نامطلوب کنونی را تغییر دهند. از جمله در همین نبرد بر سر تعیین دستمزد زمینه و امکان اتحاد بخش اعظم طبقه وجود دارد که میتوان به یک واقعیت عملی و مبارزه ی متحدانه علیه دولت و کارفرما تبدیل کرد. میتوان از همین امروز در این جهت در مراکز مختلف کارگری مجامع عمومی تشکیل داد، نمایندگان خود را انتخاب کرد، در سراسر کشور خود را با کارگران سایر مراکز صنعتی هماهنگ کرد، و دولت و کارفرما را به چالش طبقاتی بزرگی کشید.

حتی اگر تمام پیروزی را هم از جمله در رابطه با مزد مورد نظر خود بدست نیاوریم، نفس این حرکت متحدانه گام بسیار تعیین کننده ای برای تداوم مبارزه ی طبقاتی و اتحاد صفوف کارگران را ممکن خواهد کرد. اگر همین دوره شاهد صدور چند بیانیه و اطلاعیه ی علنی مطالباتی در مراکز مهم کارگری باشیم که در آن مثلاً یورش گسترده به طبقه کارگر از جانب کارفرمایان و دولت و "شورایعالی کار" و تشکلهای زرد همراه آن و مطالبه ی حداقل دستمزد خود را به جامعه اعلام کنیم دستاورد بسیار بزرگی برای طبقه ی ما محسوب خواهد شد و بی تردید به اتحاد و همبستگی و تحرک کل طبقه کمک به سزائی خواهد کرد.

محمود احمدی: مبارزه اقتصادی چه جایگاهی در کلیت مبارزه ی طبقاتی طبقه کارگر دارد؟

سلام زیجی: مبارزه اقتصادی طبقه کارگر از نظر من عرصه ی مهمی از مبارزه طبقاتی طبقه ما است. طبقه کارگر حول این مبارزه میتواند اتحاد و آگاهی طبقاتی خود را در تقابل با سرمایه دار و دولت بیش از پیش تأمین کند. به استثمار و نابرابری که هر روز به جامعه و کارگر اعمال میشود نگاه زنده و روشنتری داشته باشد. هم منفعتی طبقاتی را گسترش و مجرائی برای همبستگی کارگری باشد. در میدان نبرد اقتصادی کارگر بیش از پیش متوجه خواهد شد که چگونه از قبل کار او جامعه تأمین میگردد و چگونه دولت و کارفرما سودهای کلان میبرند و حتی حقوق دستگاه دولتی و سرکوب نیز از قبل یول و ثروت بدست آمده ناشی از فروش نیروی کار او است که پرداخت میشود. اما باید تأکید کنم، با وجود تمام اهمیت مبارزه ی اقتصادی برای کارگر، اگر این مبارزه به یک افق روشن کارگری و سوسیالیستی متکی نباشد آن دستاوردها و اهمیتی که گفتم به دست نخواهد آمد. اگر رهبران کمونیست و پیشرو آن طبقه پرچم این مبارزه ی مهم را راساً در دست نداشته باشند این مبارزه در نهایت به پیروزی کارگر بر سرمایه دار و نظام ظالمانه ی حاکم منتهی نخواهد شد. در اول این گفتگو هم تأکید کردم که در ایران بدون تردید هیچ شکلی از مبارزه ی اقتصادی طبقه صرفاً در محدوده ی مبارزه ی اقتصادی و صرفاً دستمزد باقی نمانده و نخواهد ماند. در اینجا هر تحرکی در عرصه ی مبارزه ی اقتصادی مسقیماً با دولت، سیاست، تشکل کارگری، حق اعتصاب و اعتراض، مسئله برابری زن و مزد و کلاً با نفس حرمت انسانی مواجه میشود و با این واقعیت ها تفکیک ناپذیر است. با این توضیحات و جایگاه مهم که مبارزه ی اقتصادی کارگر در کلیت مبارزه ی طبقاتی آن طبقه دارد باز

دیگر بر اهمیت این مبارزه تأکید میکنم و امیدوارم کل طبقه ی ما، رهبران پیشرو آن، با این دید و افق کارگری و سوسیالیستی به مبارزه ی خود علیه دولت و کارفرما شدت ببخشند و متحدانه طبقه ی بورژوا و شورایعالی کارشان را در مبارزه ی جاری بر سر تعیین حداقل دستمزد سال ۹۳ با شکست و عقب نشینی مواجه کنند.

بخش دوم این گفتگو نیز برای اولین بار در نشریه کمونیست هفتگی شماره ۲۱۹ منتشر شده است

۲۵ بهمن ۹۲
۱۴ فوریه ۲۰۱۴

<http://partowradio.com>

برای کوتاه کردن دست خونین و سرکوبگر جمهوری اسلامی و یورش هر روزه سیاسی و اقتصادی به طبقه کارگر توسط این نظام ضد کارگری و ضد انسانی هیچ راهی بجز تأمین و تضمین شکل دادن فوری به یک مبارزه متحد و مستقل طبقاتی در سراسر کشور با پرچم آزادی و برابری و آرمان سوسیالیستی و به هدف پایان دادن به حاکمیت فاشیستی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران پیش روی خود نداریم. بدون چنین آمادگی و هدفی نه تنها جنبش کارگری که کل جامعه نیز در بند و بردگی باقی خواهد ماند.

اخراج و بیکارسازی موقوف!